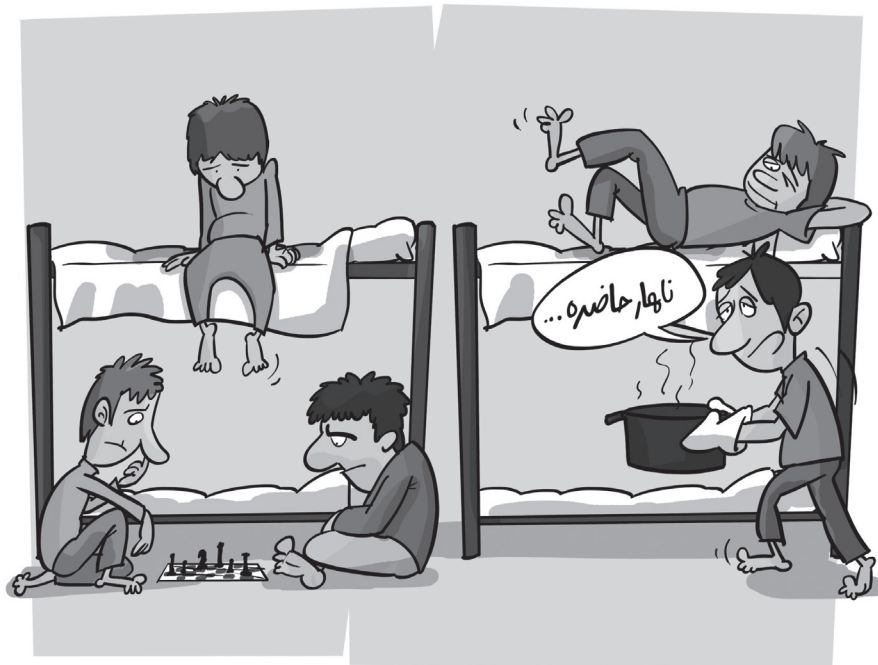


کلبانویهای اجباری!



اشاره:

اسم زندگی خوابگاهی که بیاید، پیش از آن که اهل فن را یاد صفای زندگی خوابگاهی بیندازد، تا حدودی می ترساند! ترس از انجام کارهایی مثل شست و شو، رفت و روب، بشور و بپز و... جمع بودن جمعی از افرادی که هم سن و سال هستند و افکارشان هم تا حد زیادی با همدیگر همخوانی دارد، همیشه برای آدم‌ها جذاب بوده؛ در هر رده سنی که باشند. اما در کنار جاذبه‌های خاص، دغدغه‌هایی هم دارد که موارد زیر بخشی از مهم‌ترین آن‌هاست:



۱. چی بشوریم؟!

مشکل اول، غذاست. طبیعی‌ست که پخت و پز برای دانشجویهای خانم، کار پیچیده‌ای نیست. تنها موردی که تا حدودی برای خانم‌ها ایجاد دردسر می‌کند، رعایت نوبت «پخت و پز است، که یک وقت خدای ناخواسته یکی از هم‌اتاقی‌ها تصور «خودکُرت‌بینی» پیدا نکند که اگر چنین شود احتمال یک درگیری از جنس زنانه به انضمام تبادل زخم‌زبان‌های خاص خودشان بسیار بالاست!

اما این مشکل برای آقایان بسیار حادتر است. حتی تصور اینکه چهار پنج پسر جوان، در یک اتاق دور هم نشستند و تلاش می‌کنند به یاد بیاورند، به جز نیمرو چه غذای دیگری را می‌توانند با مهارت بپزند، دردآور است! تنها نقطه قوت این تراژدی این است که شاید بعد از یک سال تلاش، یک نفر از بین جمع آقایان از خودش استعدادی نشان داده و پس از ممارست فراوان و تحویل دادن غذاهای شفته و سوخته، تا حدودی به درجه آشپزی نائل شود و کور سوی امیدی باشد برای سال‌های آینده!

۲۴



۲. بشور و بساب!

این مورد هم تقریباً برای خانم‌ها حل شده است. اصلاً ما در این مطلب به خانم‌ها کاری نداریم. می‌ماند آقایان... اصولاً موجودات مذکر در طول تاریخ ثابت کرده‌اند که هر چقدر در امر خوردن غذا مهارت داشته و پایه کار هستند، در شستن ظرف‌های غذا به شدت اهل شانه خالی کردن‌اند! شکی نیست که تمام هم‌اتاقی‌ها تلاش می‌کنند بعد از تناول غذا، یک جوری از زیر بار شستن ظرف‌های شام طفره ببرند.

پیشنهاد ما این است که ببخیال روش‌های نخ‌نمایی مثل تظاهر به زنگ خوردن گوشه موایل یا حساسیت پوست دست به مواد شوینده شوید! این روش‌ها در زمان میرزا طغرل قلی‌خان پیش از میلاد است!

خیلی متمدانه تلاش کنید ظرف شستن را نوبتی کنید. باور کنید روش‌های دیگر منسوخ شده است.

اما مشکل بخش «بشور بساب!» فقط به همین جا ختم نمی‌شود.

شمایی که الآن دانشجوی یا طلبه هستید در شهرستانی غیر از شهر خودتان با هم‌اتاقی‌هایتان گذران زندگی می‌کنید، باید زحمت شستن لباس‌هایتان را هم خودتان بکشید. این‌جا دیگر خانه پدری‌تان نیست که مادرتان لباس‌هایی را که در هر سوراخ سمبه‌ای شوت کرده‌اید، پیدا کند و بشورد! بعله آقایان!!!

۴. سافت و ساز!

کنار آمدن هم‌اتاقی‌ها با همدیگر، از آن موارد ضروری و حیاتی‌ست.

شما باید با هم‌اتاقی‌هایتان از نظر فکر و سلیقه شخصی تا حدودی موازی باشید تا با همدیگر سازگارتر باشید.

تصور کنید ساعت دو نیمه شب، شما در خواب عمیقی به سر می‌برید که هم‌اتاقی‌تان هوس می‌کند آهنگ مورد علاقه‌اش را با صدای بلند گوش کند! فکر می‌کنید در این مواقع چه اتفاقی می‌افتد؟!

گفتگوها و بحث‌های سیاسی و اجتماعی، تماشای تلویزیون، شوخی‌ها و سرگرمی‌ها و... همگی جزء مواردی هستند که بهتر است شما در انتخاب هم‌اتاقی‌تان دقت کافی را به خرج داده باشید تا مجبور نباشید یک سال از گار اخلاق‌های نامناسب همدیگر را تحمل کنید.



۲۵

۵. کمی هم درس خواندن!

بالآخره شما دور هم جمع نشدید که فقط بگویید و بخندید و برای همدیگر جشن پتو ترتیب بدهید! خدای ناکرده قرار است شما درس بخوانید؛ حتی شده فقط در شب‌های امتحان!

پیشنهاد ما این است که حتی المقدور سعی کنید یا تمام هم‌اتاقی‌هایتان هم رشته خودتان باشند، یا لااقل دو یا سه نفرتان هم رشته باشید. در این صورت مجبورید با هم درس بخوانید و در درس‌ها به همدیگر کمک کنید.

مزیت دیگر این طرح این است که معمولاً وقتی شما امتحانی را پیش‌رو داشته باشید دست‌کم نیمی از بچه‌های اتاق شما هم به همین بلا مبتلا هستند و مجبورند بنشینند و درس‌شان را بخوانند و سر و صداهای اضافه و هواس‌پرتی شما هم کمتر می‌شود.



۳. سفته، ولی مکنه!

یکی دیگر از کارهایی که کابوس شب‌های آقایان خوابگاه‌نشین است، مرتب کردن خانه است. انصافاً توقع این مورد از هر انتظار دیگری، مهلک‌تر است! زندگی‌های خوابگاهی ثابت کرده‌اند که آقایان تا زمانی که اتاق‌شان تا حد انفجار شلخته نشده باشد، وضعیت موجود را تحمل می‌کنند و با قابلیت تحسین‌آمیزی در همان شلختگی همه چیز را هم پیدا می‌کنند!